

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

شادروان استاد علامه، احمد علی کهزاد
فرستنده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

بنای شهر هرات

از نظر روایات تاریخی و فولکلوری

یکی از شهرهای کهن افغانستان که در قطار بلاد قدیم مشرق زمین قرار میگیرد، شهر باستانی هرات است که در حوزه حاصل خیز و شاداب هریرود افتاده و در قدیمترین مآخذ ادبی آریائی نام و نشان آن مذکور است. (هری رود) یا (اری رود) یعنی (رود هری)، رودخانه بزرگی که از آنجا میگذرد. هری و (هریوه) نام هائی است که در تاریخ و ادب دوره های قرون وسطی و دوره های باستانی پیش از اسلام آمده است. صورت اخیرالذکر در (اوستا) در قطار اراضی شانزده گانه اوستائی ذکر شده و مقصد از آن رودخانه هری رود و حوزه آنست که از روزی که امواج مهاجرت آریائی بدان حوزه رسیده، کرانه های رودخانه مذکور مسکون و آباد شده است. در مرور چندین هزار سالی که از استقرار قبایل آریائی در حوزه هریرود میگذرد، شهر هرات به دفعات آباد و ویران و مرمتهای شده و خاطره این همه آبادی ها و ویرانی ها و مرمت کاریها با نام بانیان و ویران کنندگان و مرمت کاران بهم درآمخته و مجموع خاطره های درهم و برهم بشکل داستان ها و اسطوره هائی درآمده که انفکاک آنها از هم، خالی از اشکال نیست. همین داستان ها و اسطوره ها وقت بوقت در متون تاریخی هم ثبت شده و با از بین رفتن یک متن قدیم، باز شکل تازه تری در متون جدیدتر جلوه کرده است.

یکی از آثاری که راجع به تاریخ هرات در دست است، "تاریخ نامه هرات" مؤلفه سیف بن محمد بن یعقوب هروی است که همچنان بنام "تاریخ سیفی هروی" شهرت دارد و به صد و سی و هشت ذکر تقسیم شده است. ذکر اول آن در باب بناء و بانیان شهر هرات و حصار و قلاع جزء آن وقف شده. مؤلف همین کتاب روایات متذکره خویش را در کتاب دیگری موسوم به "تاریخ نامه هرات" مؤلفه شیخ عبدالرحمن بن عبدالجبار نامی و کتب دیگر دیده که متأسفانه امروز در دست نیست و مؤلفان این کتب بنوبه خود به آثار و مآخذ دیگری دست داشته اند، که آنها هم از میان رفته اند. این ذکر و تسلسل نشان میدهد که روایات و داستانها چطور وقت بوقت به قید تحریر درآمده و آثار تحریری چطور ناپدید گردیده است.

سیفی هروی روی همرفته راجع به بناء و بانیان هرات هشت روایت دارد که ذکر آن در تاریخچه شهر هرات، خالی از دلچسپی نیست.

روایت اول عبارت از این است که هرات در عهد طهمورث پسر هوشنگ بناء یافته. سپس بعد از یک دوره جلال که شکوه سلطنتی به اوج خود رسید، در اثر غروری که دامنگیر شاه شد و دعوی خدائی کرد، سلطنت او سقوط نمود و مردمان دیار او متفرق و پراکنده شدند و پنجهزار صحرا نشین قندهاری بعد از مهاجرت به کابل و غور بالاخره به (اوبه) و (کواشان) رحل اقامت افکندند و به دو دسته غالب و مغلوب تقسیم شدند، تا بالاخره در میان دسته مغلوب و ضعیف دختر زیبایی بنام (شمیره) پیدا شد که وی را شمیره بنت "همان افریدون" میگفتند و از فرزندان کیومرث بود و بنای حصاری را گذاشت که بنام وی به "حصار شمیران" شهرت پیدا کرد که در شمال هرات وقوع داشت. بنا بر همین روایت در زمان منوچهر مردمان حصار شمیران به علت تنگی جای از "خرنوش" یکی از فرزندان "سام نریمان" اجازه خواسته و کهنذری بناء نمودند که شکل شهری بخود داشت و حصار شمیران را در داخل آن گرفتند.

میگویند دیوارهای حصار این کهندژ پنجاه گز بلندی و سی گز عرض داشت و باره و بروج و خندق عمیق داشت. مدتی گذشت و شهر کهندژ برای باشندگان آن باز تنگ شد. در زمان "ارغاغوش" مردم به پول و اعانه ۱۶ هزار مرد کارگر جمع کرده و در طی مدت ۱۶ سال که در وسط هر دو هشت سال، چهار سال برای خشک شدن دیوارهای ضحیم وقفه ماندند، شهر هرات را طوری وسعت دادند که "حصار شمیران" و "کهندژ" هر دو در داخل آن آمد. تهداب دیوارهای حصار جدید صد و ده گز عریض بود و ۴۵ گز ارتفاع داشت و محیط حصار شهر دوازده هزار و صد و هشتاد و سه گز طول داشت.

در روایت دوم چنین آمده که محلی که شهر هرات در آن آباد شده اصلاً پست و بلند و جایگاه جانوران بود و جز قصبه "اوبه" جای آبادی در بین حوالی نبود. طایفه ای از صحرا نشینان بعد از جنگ و مخالفت به دو دسته تقسیم شده و دسته ضعیف اول در "کواشان" و از آنجا به "دره دو برادران" نقل مکان نمود و بالاخره در محلی موسوم به "خیابان" که معبر عبور کاروان ها بود به فکر آبادی افتادند و جماعتی از اعیان خود را نزد "همای چهر آزاد" که او را "شمیران" میخواندند و در بلخ پادشاهی داشت، فرستادند و اجازه بنای حصار را مطالبه نمودند. ملکه بلخ به بنای حصار موافقت کرد و امر نمود تا قلعه مذکور را بنام وی مسمی سازند. اهالی حصار را ساختند و به نام "حصار شمیران" مسمی نمودند.

روایت سوم حاکی از این است که بعد از طوفان نوح اولین بنائی که در خراسان ساخته شد، حصار شمیران است که دختر ضحاک که "هرات" نام داشت، اول قصبه "اوبه" و بعد شهر هرات را بناء نهاد. روایت چهارم بنای شهر هرات را به اسکندر نسبت میدهد و انعکاس خاطره بنای اسکندریه ایست که اسکندر در حوزه هری رود نهاد.

روایت پنجم چنین نقل میکند که شهر هرات در عهد نمرود بن کنعان ساخته شده است. روایت ششم عبارت از این است که باز پای اسکندر را در احداث شهر هرات دخالت میدهد و حاکی از این است که فاتح مقدونیه، صندوقی یافت که در آن نبشته هائی مبنی بر بنای شهر هرات وجود داشت. طبق روایت هفتم بنای شهر هرات ذوالقرنین بود.

قرار روایت هشتم دیوار حصار هرات از طرف سه نفر تعمیر شد: سیاوش پسر کیکاووس، اسکندر و دارای پسر دارا. /۱۷/ سنبله ۱۳۳۷